

ویژگی‌های کارگزاران نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه قرآن

جواد محقق^۱

چکیده:

مطلوب و نامطلوب بودن یک نظام سیاسی، ممکن است مولفه‌ها و شاخصه‌های متعددی داشته باشد، یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که در مطلوب بودن یک نظام سیاسی تأثیرگذار است، عنصر «کارگزار» است. فلاسفه و دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان درباره مسئولین و کارگزاران یک نظام سیاسی، اوصاف و معیارهای مختلفی را ذکر کرده‌اند، در این نوشتار سعی شده است ویژگی‌های کارگزاران نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه قرآن بررسی شود (بیان مسئله). مهم‌ترین سوال این نوشتار این است که قرآن چه ویژگی‌ها و اوصافی را برای کارگزاران یک نظام سیاسی مطلوب بیان نموده است؟ (سوال) با توجه به «جامعیت» قرآن در همه مسایل هدایتی و تربیتی، از جمله مسایل سیاسی که از مهم‌ترین مباحث اجتماعی است؛ لازم است که قرآن در باره‌ی مسایل سیاسی از جمله در مورد اوصاف و ویژگی‌های کارگزاران نظام سیاسی هم سخن گفته باشد (فرضیه) در این تحقیق تلاش شده است با روش توصیفی - تحلیلی (روش) و با مراجعه به آیات قرآن کریم ویژگیهای مسئولان و کارگزاران حکومتی که مهم‌ترین عنصر هر نظام سیاسی است از دیدگاه قرآن مورد بررسی قرار گیرد. (هدف)

واژگان کلیدی: قرآن، سیاست، ویژگیهای کارگزاران، نظام سیاسی و حکومت.

^۱. دانش‌پژوه دکتری قرآن و علوم سیاسی/ مجتبع آموزش عالی علوم انسانی

مقدمه

در کشورهای غربی، شعار جدایی دین از سیاست، جزء مسلمات آنها است. آئین مسیحیت کنونی به اثر تحریفات زیادی که در آن پدید آمده است، دین را به صورت یک مسئله شخصی و فردی و منحصر به رابطه‌ی خلق و خالق که شامل یک سلسله توصیه‌های اخلاقی می‌شود، در آورده است و کاری به مسایل اجتماعی و مخصوصاً مسایل سیاسی ندارد. بسیاری از غربزدگان مسلمان نیز تحت تأثیر تبلیغات غربی‌ها رفته و معتقد به جدایی دین و سیاست شده (ر.ک: عبدالرزاق، ۱۴۳۳، ۳۱) و معتقدند که قرآن فقط مسایل اخروی و اخلاقی و عبادی را بیان کرده و مسایل دنیوی، از قبیل مسایل اجتماعی و سیاسی از قلمرو موضوعی قرآن خارج است. افرادی همچون: مجتهد شبستری (ر.ک: شبستری، ۱۳۷۹، ۶۶، ۴۹۸، ۱۰۵) و مهدی بازرگان (ر.ک: بازرگان، ۱۳۷۷، ۸۰) و دکتر سروش (ر.ک: سروش، فربه تر از ایدئولوژی، ۶) که تحت تأثیر اندیشه‌ها و افکار مستشرقان و غربی‌ها قرار گرفته‌اند، معتقد به «جامعیت حداقلی»^۱ قرآن کریم‌اند. مقصود اینها از جامعیت حداقلی قرآن کریم این است که قلمرو معرفتی قرآن و علوم بشری کاملاً متفاوت و جدا از همدیگرند؛ یعنی قرآن و علم مانند دو دایره‌ای مستقل و جدا از یکدیگرند که در هیچ نقطه‌ای باهم اشتراک پیدا نمی‌کنند، قلمرو قرآن معارف و رفتارهای مربوط به آخرت، و قلمرو «علم» معارف و رفتارهای دنیوی انسان است. که با این نگاه، میان قرآن و علم نسبت و رابطه «تباین» برقرار است. (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ۱۲۸) صاحبان این دیدگاه معتقدند که رسالت و هدف اصلی انبیا (و به تبع آن هدف قرآن) معنابخشی به زندگی انسانی است و انسان خود می‌تواند نظام‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی را به شکل صحیحی برگزیند و به کار

^۱ . minimalism

گیرد. بنابراین شأن قرآن، ساختن بعد معنوی آدمی، نه بیان نظام‌های اجتماعی است، اشاراتی هم که در قرآن به مسائل دنیایی، اجتماعی و سیاسی شده است، اموری تطفلی یا مقطعی بوده است. (ر.ک: بازرگان، پیشین، ۸۰) اما اگر کسی قرآن مجید، سنت پیامبر (ص) و تاریخ اسلام را مورد توجه قرار دهد، بطلان نظریه جدایی دین از سیاست و اجتماع را به خوبی دریافته و می‌فهمد که جداکردن حکومت و سیاست از اسلام غیر ممکن و به منزله این است که بخواهند اسلام را از اسلام جدا کنند. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۰، ۶۶). امام خمینی (ره) می‌فرماید: «اگر کسی بگوید اسلام با زندگی چه کار دارد، این جنگ با اسلام است. این نشناختن اسلام است. اسلام به سیاست چه کار دارد، این جنگ با اسلام است» (روحانی، ۱۳۸۹، ۱، ۵۱۲) آیت الله مصباح یزدی می‌گوید: «مقدار آموزه‌های اجتماعی قرآن که ناظر به مسایل دنیایی است، به قدری فراوان است که اندک تأمل موشکافانه در آنها، نادرستی دیدگاه یاد شده [جدایی دین و سیاست] را برملا می‌سازد. آموزه‌های مانند زکات، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری، رابطه و غیر آن که با صراحت و وفور در قرآن مطرح شده است» (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ۲، ۲۹۸). برخی قرآن پژوهان معتقدند: «اگر بگوییم که همه مسائل مطرح شده در قرآن درباره مسائل اجتماعی و جامعه سالم است به گزاف نگفته ایم؛ لذا تقریباً به مسائل عبادی و معاملی کمتر پرداخته و بخش اعظم آن به مسائل اجتماعی که مهم‌ترین آن مسائل سیاسی است اختصاص یافته است» (محمد هادی معرفت، وبسایت دانشنامه موضوعی قرآن: www.seraj.ir) در باره آمیختگی دین و سیاست، مرحوم مدرس چه زیبا گفته است: «سیاست ما عین دیانت ماست و دیانت ما عین سیاست ماست» حسن روحانی با توجه به این سخن معروف مدرس، می‌گوید: «دین و سیاست از یکدیگر تفکیک ناپذیرند، این اساسی‌ترین و مهم‌ترین اصل در فقه سیاسی و فقه حکومتی است» (روحانی، ۱۳۸۹؛ ۳، ۶۲۸).

پس باید تلاش کنیم تا مهم ترین مباحث و مسایل سیاسی را از قرآن استنباط و استخراج نماییم. در این تحقیق برآنیم تا با توجه به جامعیت قرآن کریم در همه ابعاد زندگی انسان از جمله در بعد سیاست و حکومت، ویژگی‌های مسئولین و کارگزاران نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه قرآن را مورد بررسی قرار دهیم. در باره ویژگیها و خصوصیات مسئولان و کارگزاران نظام سیاسی از منظر روایات و نهج البلاغه، کتاب و مقالاتی نوشته شده اند، اما با نگاه قرآنی تا هنوز اثری در این زمینه نگاشته نشده است و یا نگارنده به آن دسترسی پیدا نکرده است.

اهمیت و جایگاه کارگزاران در نظام سیاسی

مهم ترین مولفه و عنصر نظام سیاسی که در مطلوب و نامطلوب بودن آن، نقش اساسی دارد، مولفه و عنصر «کارگزار» می باشد که صلاحیت و کارآمدی مسئولین و کارگزاران نظام سیاسی از دیرباز مورد توجه فلاسفه و اندیشمندان سیاست بوده است. افلاطون و ارسطو به عنوان پیشقراولان مباحث مربوط به حوزه سیاست به ترتیب در کتابهای جمهوری و سیاست به این مهم پرداخته اند. این دو فیلسوف سیاسی در آثار خود مفصلاً به عدالت حاکمان جامعه به عنوان عامل نگه دارنده حکومت توجه خاصی کرده اند. مطالعه حکومت ها و نظام های سیاسی کشورهای مختلف جهان، از لحاظ پیشرفت اقتصادی، تعلیم و تربیت، رفاه و امنیت، و... به خوبی نشان می دهد که نقش مدیران و کارگزاران در پیشبرد اهداف نظام های سیاسی تا چه حد مهم و تأثیرگذار بوده است.

به تعبیر دیگر: از مهم ترین عامل ثبات و دوام و یا سقوط و زوال یک نظام سیاسی، کارآمدی و یا ناکارآمدی مدیران و کارگزاران آن می باشد. صلاح و سعادت دنیوی و اخروی یک جامعه، بستگی به رهبر سیاسی و مسئولین و کارگزاران حکومتی آن جامعه دارد. بطوری که اگر مسئولین و کارگزاران حکومتی افراد صالح، توانا، متخصص و متعهد باشند، تمام تلاش شان برای برقراری عدالت

و امنیت و سعادت دنیوی و اخروی جامعه خواهد بود اما اگر افراد نالایق و فاسد زمام امور حکومت و جامعه را بدست گیرند، قطعاً آن جامعه روی سعادت و خوشبختی را نخواهد دید. رهبران و کارگزاران نظام سیاسی، مهم ترین عنصر و مولفه هر نظام سیاسی است که مطلوب بودن و نامطلوب بودن آن، بستگی به کارآمدی، لیاقت و شایستگی کارگزاران آن نظام دارد.

ویژگی های کارگزاران نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه قرآن

در اندیشه سیاسی قرآن، کسانی که رهبری و زمامداری یک جامعه و نظام سیاسی را به عهده می گیرند، باید دارای ویژگیها و خصوصیات باشند تا بتوانند جامعه را به سوی سعادت دنیوی و اخروی سوق داده، عدالت، امنیت و قوانین الهی را در جامعه برقرار نمایند. از دیدگاه قرآن، هیچ خطری برای جوامع بشری بیشتر از خطر بر سر کار آمدن افراد فاقد اهلیت و کم صلاحیت نیست بطوری که اگر افراد ناصالح و نالایق زمام امور مملکت را به دست گیرند قطعاً جامعه را به سمت تباهی و سقوط خواهند کشاند. اما اگر صالحان و شایستگان مناصب حکومتی و سیاسی را بدست گیرند، عامل سعادت و ترقی و پیشرفت آن جامعه خواهند شد. قرآن کریم ویژگیها و خصوصیات را برای کارگزاران حکومتی و نظام سیاسی بیان نموده است که در ادامه به برخی از این ویژگی ها اشاره خواهیم کرد:

۱. تقوی و ایمان داری

در نظام سیاسی مطلوب قرآنی، از مهم ترین و اولین ویژگیها و فضایلی که لازم است حاکمان، کارگزاران و مدیران از رأس گرفته تا سطوح پائین داشته باشند، ویژگی تقوی و ایمان به خداوند متعال است، قطعاً کارگزاران و صاحب منصبانی که ایمان به خدا و تقوای الهی نداشته باشند، نمی توانند نظام سیاسی مطلوب قرآنی را بوجود بیاورند.

قدرت و منصب سیاسی هرچند لازمه و ابزار لاینفک رهبری سیاسی و

مناصب دولتی است، ولی در عین حال آفت زمامداران و کارگزاران و موجب فساد آنها نیز شمرده می شود، مستی و شراب قدرت چه بسا کارگزاران خلاق و سازنده را به انسانهای ویرانگر و تباه کننده تبدیل سازد. در مکاتب غربی، برای اینکه قدرت موجب فساد مسئولان حکومتی نشود، «توزیع قدرت، به جای تمرکز آن»، «محدودیت قدرت به جای مطلق بودن آن» و «ایجاد رقابت در قدرت به جای انحصاری بودن آن» را به عنوان راهکارها و عوامل بیرونی جلوگیری از فساد سیاسی ارائه نموده اند (ر.ک: سروش، پیشین، ۳۴۰) اما قرآن کریم برای جلوگیری از فساد قدرت، بیش از آنکه به عوامل بیرونی تکیه نماید، به عوامل درونی (همچون تقوا و ایمان) تأکید نموده و معیار برتری را در تقوی معرفی می کند: إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ (حجرات/۱۳) از دیدگاه قرآن زمامداران مومن و با تقوا (متقین) و زمامداران فاجر و فاسق (فجار) یکسان نیستند: أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ (ص/۲۸)؛ آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند همچون مفسدان در زمین قرار می دهیم، یا پرهیزگاران را همچون فاجران؟! لذا قرآن حاکمیت و پیشوایی کسانی را که از تقوی و ایمان به خدای متعال بی بهره اند و هیچگونه سنخیت و مشابهت فکری و اعتقادی با اسلام ندارند را نمی پذیرد و می فرماید: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/۱۴۱)؛ هرگز خداوند تسلطی بر مومنان، برای کافران قرار نداده است. یعنی از نگاه قرآن کریم، فرماندهی و تسلط کسانی که صفت ایمان و تقوی را نداشته باشند، بر مسلمین مورد تأیید نیست، ریاست فرد کافر بر جامعه اسلامی به منزله ریاست فرد بی کفایت بر فرد شایسته است. (ر.ک: سبجانی، ۱۳۷۰، ۲۲۸). بحران سیاسی و آشفتگی روانی موجود در عصر حاضر، جنگها و جنایات در جهان و عدم کفایت مجامع بین المللی در ایجاد امنیت و احقاق حقوق، نقش «تقوا» را بیش از پیش در مسئولان و زمامداران سیاسی آشکار

می سازد. بسیاری از تخلفات اخلاقی و حقوقی، مکر و حيله گری، ظلم و ستمگری در دنیای سیاست، ناشی از عدم تقوا است (ر.ک: فاضلی، ۱۳۷۴، ۹۸). اینجا است که آدمی به بلندی و عظمت فرمایش مولای متقیان امیرمؤمنان علی(ع) پی می برد که می فرماید: «لولا التقی لکنت ادهی العرب» (کلینی، بی تا، ۸، ۱۸)؛ اگر تقوا دست و پای مرا نمی بست، از همه ی آحاد و مکاران عرب، مکر و حيله را بهتر بلد بودم.

و یا در مقایسه بین سیاست خود و سیاست معاویه می فرماید: وَاللّٰهِ مَا مُعَاوِيَةُ بِأَذْهَىٰ مِنِّي وَلَكِنَّهُ يَغْدِرُ وَيَفْجُرُ وَلَوْ لَا كَرَاهِيَةُ الْغَدْرِ لَكُنْتُ مِنْ أَذْهَى النَّاسِ وَلَكِنْ كُلُّ غَدْرَةٍ فُجْرَةٌ وَكُلُّ فُجْرَةٍ كُفْرَةٌ (نهج البلاغه، خ ۲۰۰)؛ به خدا سوگند که معاویه زیرکتر از من نیست لکن او حيله گر و فاجراست. و اگر حيله گری بد نبود من زیرک ترین مردم بودم. اما هر حيله گری گناه و هر گناهی موجب تاریکی دل و در نهایت خروج از ایمان و موجب کفر است.

امام علی(ع) در حدیث دیگری نیز به مسئله ایمان و تقوای کارگزاران نظام سیاسی تأکید نموده و جامعه اسلامی را از سرکار آمدن کارگزاران فاسق و بی لیاقت برحذر داشته می فرمودند که مبدا زمامداران فاسق و ناهل بر سر کار آیند که جامعه و مردمان را به تباهی خواهند کشاند: «انما هلك الناس حين ساووا بين ائمة الهدى و ائمة الكفر و قالوا ان الطاعة مفروضة لكل من قام مقام النبي براً كان او فاجراً فاتوا من قبل ذلك قال الله سبحانه تعالى أفتجعل المسلمين كالمجرمين مالكم كيف تحكمون؟» (مجلسی، ۱۴۰۲، ۶۹، ۱۷۶)؛ بی گمان مردم هلاک شدند، آنگاه که پیشوایان هدایت و کفر را یکسان شمردند و گفتند هر که به جای پیامبر نشست، چه نیکوکار و چه بدکار اطاعت او واجب است. پس بدین سبب هلاک شدند خدای سبحان فرموده است پس آیا مسلمانان را همچون بدکاران قرار خواهیم داد.

شما را چه شده است؟ چگونه داوری می کنید؟»

۲. تخصص و آگاهی

قرآن کریم «تخصص» و آگاهی را برای مسئولان و اعضاء دولت لازم و ضروری دانسته، وجود این شرط را برای رهبر حکومت اسلامی و همه کارکنان مناصب دولتی لازم می داند، یعنی کارها و وظایف سیاسی و حکومتی را باید به کسانی سپرد که بتواند آن وظیفه را از نظر معیارهای علمی به خوبی انجام دهد. قرآن کریم در داستان طالوت، مهم ترین و یژگی او را برای رهبری سیاسی، علم و آگاهی و قدرت جسمانی او می داند: «ان الله اصطفیٰ علیکم و زاده فی العلم و الجسم» (بقره/۲۴۷) و همچنین در داستان حضرت یوسف (ع)، وقتی یوسف صدیق (ع) بعد از جریان زندان تحمیلی به مقام شامخ وزارت اقتصاد و دارایی و بودجه کشور مصر رسید، به حاکم مصر می گوید: «قال اجعلنی علی خزائن الارض انی حفیظ علیم (یوسف/۵۵) مرا به وظیفه خزانه داری (وزارت اقتصاد و دارایی) بگمار، زیرا من هم حفیظ (حافظ منافع مردم) و هم علیم (متخصص و آگاه و عالم) در این وظیفه هستم (ر.ک: جوادى آملی، ۱۳۷۵، ۱۲۲). و یا در آیه دیگر می-فرماید: « فَاَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ » (انبیاء/۷)؛ اگر نمی دانید، از آگاهان بپرسید.

سپردن کارها بخصوص کارهای مدیریتی و سیاسی به افراد غیرمتخصص و نالایق، در حقیقت ضایع کردن آن است. امام باقر(ع) می فرماید: «ان الرئاسة لاتصلح الا لاهلها» (کلینی، بی تا، ۱، ۵۹)؛ ریاست جز برکسی که لیاقت دارد، شایسته نیست. و یا پیامبر بزرگ اسلام (ص) فرموده است: «من عمل علی غیر علم کان ما یفسد اکثر مما یصلح» (کلینی، همان، ۵۵)؛ کسی که ندانسته (بدون علم و تخصص) کاری را انجام دهد، خراب کردنش از درست کردنش بیشتر است. آیت الله جعفر سبحانی می گوید: «جایی که عقل اجازه نمی دهد، انسان کار

فردی را به غیر اهل آن بسپارد، چگونه اجازه دهد، مسئولیت اجتماعی و اداره امور جامعه بر عهده کسی گذاشته شود که اطلاع و تخصص کافی از آن کار ندارد؟ و برای همین حکمت را چنین تفسیر کرده اند: «سپردن کار به شخص لایق» و این حماقت است که کار مناصب به شخص غیرلایق سپرده شود» (سبحانی، ۱۳۷۰، ۳۱۲).

۳. تعهد و امانت داری

در فرهنگ و نظام مادیگری مهم ترین ویژگی برای یک کارگزار و صاحب منصب حکومتی، تخصص و آگاهی است، اما در اندیشه سیاسی قرآن، یک کارگزار حکومتی، علاوه بر داشتن تخصص و آگاهی، باید از ویژگی تعهد و امانت داری نیز برخوردار باشد. از منظر قرآن کریم مناصب دولتی و وظایف سیاسی به عنوان امانت الهی معرفی شده است، نه به عنوان یک وسیله برتری جویی و استفاده شخصی که باید به اهلش سپرده شود:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ (نساء/۵۸)؛ خداوند به شما فرمان می دهد که امانتها را به صاحبان آن برسانید و هنگامی که میان مردم، داوری می کنید از روی عدالت داوری کنید.

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان می گوید: «منظور از امانت، در این آیه شریفه، تنها امانت مادی نیست بلکه شامل امانت های معنوی مانند امامت و علوم و معارف حقه نیز می شود» (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴، ۳۸۷) و همچنین آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه ذیل این آیه می گوید: «در ذیل این آیه مبارکه، در تفاسیر و کتب حدیث، روایات متعددی آمده است که منظور از امانت، همان ولایت و حکومت و در مرحله نخست ولایت امامان معصوم (ع) است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۰، ۱۳۷).

پس مقصود از «امانت» در آیه شریفه هم شامل امانت مادی و هم شامل

امانت معنوی از جمله وظایف حکومتی و سیاسی می شود که باید به اهلش یعنی کسانی که امانت دار و متعهد باشند، سپرده شود. بنابراین یکی از ویژگی های کارگزار نظام اسلامی از دیدگاه قرآن این است که به وظیفه و منصب سیاسی و حکومتی به چشم امانت بنگرد نه به عنوان ابزار فخر فروشی و طعمه ی برای سرمایه اندوزی. چنانچه امیرالمؤمنین علی(ع) نیز در نهج البلاغه در نامه ی که به فرماندار آذربایجان به نام «اشعث بن قیس» می نویسد چنین می فرماید: «و ان عملک لیس بطعمه و لکنه فی عنقک امانه» (نهج البلاغه، نامه ۵) کار تو (مدیریت و حکمرایی و فرمانداری) برای تو طعمه و وسیله نان و آب نیست، بلکه آن مسئولیت، امانتی است در گردن تو.

در مورد کارکنان لایق، در داستان موسی و شعیب نیز از زبان دختران شعیب به ویژگی تعهد و «امانت داری» اشاره شده است: قالت احدهما یا ابت استأجره ان خیر من استأجرت القوی الامین (قصص/۲۶)؛ یکی از آن دو گفت: ای پدر، او را استخدام کن (اشاره به موسی است که در آن زمان جوان نیرومندی بود) زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی، آن کسی است که «قوی» و «امین» باشد. علامه طباطبائی در تفسیر المیزان می گوید: «اینکه «استیجار» را بدون قید ذکر فرموده، این معنا را می فهماند که مراد این بوده که موسی (ع) اجیر او شود، در همه حوائج او، و خلاصه قائم مقام خود شعیب باشد، در همه کارهایش، هر چند که به اقتضای مقام تنها مساله چراندن گوسفندان به نظر بیاید» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۱۶، ۳۵)، آیت الله جوادی آملی نیز در ذیل آیه ۵۸ سوره نساء می گوید:

«انجام ندادن وظایف اجتماعی و محترم نشمردن حقوق دیگران و کارآیی کافی نداشتن در پست و مقام، و خدمت نکردن به مقتضای مسئولیت و سمت، همه به عنوان خیانت در امانت مردم به حساب می آید و تضييع حقوق امت اسلامی محسوب می شود» (جوادی آملی؛ ۱۳۷۵، ۱۶۲).

لذا با توجه اینکه وظیفه و قدرت سیاسی، یک امانت است، دومین ویژگی کارگزار و حاکم اسلامی این است که امین باشد، و در نظام سیاسی قرآنی، کسی صلاحیت احراز مسئولیت حکومتی را دارد که به حکومت، و مناصب حکومتی به عنوان امانت نگاه کند و نسبت به وظیفه اش امین باشد و الا سپردن وظایف حکومتی به افرادی که از ویژگی امانت داری بهره مند نباشد و به وظیفه سیاسی به عنوان طعمه و ابزار فخرفروشی نگاه کند، خیانت محسوب خواهد شد. و بدون تردید کارگزاری که به وظیفه دولتی به عنوان امانت الهی بنگرد، طرز رفتارش نسبت به کسانی که آن را حق خود و ملک طلق خویش و وسیله ارتزاق و فخر فروشی بداند، بسیار متفاوت است (ر.ک: مکارم شیرازی، پشین، ۱۳۱ و: عباس مقتدایی، ۱۳۹۴، ۲۴۳).

قرآن کریم در سرگذشت یوسف، یاد آور می شود وقتی ملک مصر از پاکی روح یوسف آگاه شد که در قله جوانی، با چشم خیانت به همسر عزیز ننگریسته و مشتم محکم به سینه نامحرم زده است، او را آزاد کرد و به او گفت: **إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ** (یوسف/۵۴)؛ امروز تو نزدما گرامی و مورد اعتماد هستی. یوسف نیز در پاسخ گفت: **قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ** (یوسف/۵۵)؛ مرا سرپرست خزانه های این سرزمین (وزیر اقتصاد و دارایی) قرار ده؛ زیرا من نگهبان دانایی هستم. حضرت یوسف با پاسخ خود به دو مسأله مهم اشاره می کند و آن اینکه در من دو ویژگی مدیریت و کارگزار حکومتی است: یکی امانت داری و دیگری علم و آگاهی. بنابراین، از دیدگاه قرآن باید کسانی وظایف حکومتی و سیاسی را به عهده بگیرند که هم دارای و ویژگی تخصص و آگاهی باشند و هم از صفت امانت داری و تعهد برخوردار باشند تا (ر.ک: نبوی ۱۳۷۳، ۱۶۰، ورعی، ۱۳۸۸، ۱۳۹، و: سبحانی، ۱۳۸۴، ۱، ۲۴۱).

۴. قدرت و توانایی

از نگاه قرآن، کارگزار نظام سیاسی مطلوب، علاوه بر تقوی، تخصص و تعهد، باید از «قدرت و سلامت جسمانی» برای انجام وظیفه نیز برخوردار باشد. اگر شخصی توانایی جسمی انجام یک عملی را ندارد، نباید آن را بر عهده بگیرد. در داستان طالوت، به آنان که از رهبری طالوت، به بهانه آن که او از توانگران و ثروتمندان نبوده و از طبقه مرفه جامعه انتخاب نشده، سرباز می‌زدند، و در اثر فرهنگ غلط و منحط شان، ثروت را برای صلاحیت رهبری لازم می‌شمردند، هشدار داده شده است که آنچه برای رهبر و مسئولان حکومتی لازم است، آگاهی و توانایی است نه ثروت و دارایی: در پاسخ اعتراض آن قوم فرمود: **قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ** (بقره/۲۴۷)؛ یعنی خداوند او را با دو ویژگی، علم و نیروی بدنی بر شما برتری داد. با توجه به این آیه شریفه، توانایی و قدرت جسمی نیز برای انجام وظایف سیاسی و حکومتی همچون: فرماندهی لشکر، رویارویی با دشمنان، اقامه عدل و اجرای قوانین، یکی از ملزومات برای شایستگی احراز مسئولیت حکومتی می‌باشد. کسی که تخصص علمی و یا توانایی جسمی برای انجام وظایف سیاسی را ندارد، از دیدگاه قرآن شایستگی کارگزار نظام سیاسی مطلوب را ندارد (ر.ک: نبوی، پیشین، ۱۶۰ و: مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ۱۰، ۱۳۰). از نگاه اندیشه سیاسی قرآن، کارگزار نظام سیاسی هم باید امین باشد و هم آگاه و توانا. بنابراین کسی که توانایی انجام وظیفه سیاسی را دارد اما امین نیست، یا امین هست ولی توانای انجام کار را ندارد، شایستگی انجام وظیفه و منصب سیاسی را ندارد. (جوادی آملی، پیشین، ۱۲۲؛ سروش، ۱۳۷۸، ۲۷۱). دانایی و توانایی، دو ویژگی عمومی است که همه مکاتب و نظام‌های سیاسی و مدیریتی، آن را به عنوان زیربنا پذیرفته‌اند. آیت الله جعفر سبحانی می‌نویسد:

« علم و دانش و تخصص، راه را روشن می‌سازد، مشکلات را برطرف می‌کند. در حالی که توانایی روحی و جسمی به کار، صورت می‌بخشد و به طرح عینیت می‌دهد، مقصود از دانایی، دانش مربوط به موضوعی است که مدیریت آن را برعهده گرفته است و مقصود از توانایی، قدرت روحی و جسمی است که ماشین کار را به پیش می‌راند.» (سبحانی، پیشین، ۲۴۷).

امام علی (ع) نیز روی علم و توانایی مدیران و کارگزاران نظام سیاسی تکیه می‌کند و می‌فرماید:

«ایهاالناس ان احق الناس بهذا الامر اقواهم علیه و اعلمهم بامرالله» (نهج البلاغه، خ ۱۷۲)؛ سزاوارترین افراد برای اداره کشور، تواناترین و داناترین آنها به احکام خداوند در مسایل مربوط به حکومت است.

پیامبر اسلام (ص) نیز در برخی از سخنان خود، بر ویژگی آگاهی و توانایی کارگزار حکومت اسلامی، تکیه نموده چنین می‌فرماید: «من استعمل عاملا من المسلمین و هو یعلم ان فیه من هو اولی بذلک منه و اعلم بکتاب الله و سنه نبیه فقد خان الله و رسوله و جمیع المسلمین» (سنن بیهقی، ۱۰، ۱۱۸، به نقل از سبحانی، پیشین، ۲۴۳)؛ هرگاه حاکم بزرگ، فردی را به عنوان مدیر و کارگزار انتخاب کند، در حالیکه می‌داند در جامعه اسلامی، شایسته‌تر از او، و آگاه‌تر از او به کتاب خدا و سنت رسول هست، او به خدا و رسول او و تمام مسلمین خیانت ورزیده است.

۵. عدالت‌ورزی

در کتب لغت عدل، به معنای دادگری، انصاف، ضد جور و ستمگری (خلیل، ۱۳۷۳، ۲، ۱۴۳۲، سیاح، بی تا، ۲، ۱۲۳۷) آمده است. و همچنین عدل را به معنای «رعایت حقوق افراد و دادن حق به حق دار»؛ العدل اعطاء کل ذی حق حقه، (مطهری، ۱۳۹۳، ۵۶) و «قرار دادن و نهادن هرچیزی در جای خودش» العدل یضع الامور مواضعها (نهج البلاغه، کلمات قصار ش ۴۲۷) معنا نموده اند. عدالت و

دادگری در میان زیردستان، از ویژگی‌های است که می‌تواند تکمیل کننده ویژگی - های آگاهی، توانایی و امانت داری برای کارگزار نظام سیاسی قرآنی باشد. از منظر قرآن یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی‌های حاکم، زمامدار و کارگزار نظام سیاسی مطلوب، رعایت عدالت و دوری از ظلم و تبعیض در میان مردم است: **وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ (نساء/۵۸)**. و یا در آیه دیگر می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا** (نساء/۱۳۵) ای مؤمنین! برای اقامه قسط و عدل، قوام باشید؛ یعنی شدت قیام و ایستادگی را رعایت نمایید و حتی اگر اقرار به حق یا شهادت به آن، به ضرر شما یا پدر و مادر و نزدیکان بود، به اقامه آن مبادرت کنید، توانگری یا تهیدستی افراد، مانع اقامه عدل و داد نشود. قرآن کریم به عدالت بسیار بها می - دهد و در آیه فوق متذکر می‌شود که عدالت را به پا دارید ولو عدالت به ضرر شما و یا پدر و مادر و نزدیکان شما تمام شود.

از دیدگاه قرآن، سپردن زمام امور حکومتی به دست شخص یا اشخاصی که از ملکه عدالت برخوردار نباشد و توانایی خویشتن داری در برابر گناه و ستم را ندارند و ممکن است دست به هرکاری ناپسند بزنند، محکوم و مردود است:

وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (بقره/۱۲۴)؛ (به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود. و او به خوبی از عهده این آزمایشها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من [نیز امامانی قرار بده!]» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد! [و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند].»

این آیه دلالت می‌کند که امامت و رهبری، عهد الهی است که به ستمگر نمی

رسد. قرآن کریم در آیه دیگر می فرماید: **وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ** (هود/۱۱۳) و هرگز به ستمگران تکیه نکنید که آتش شما را فرا خواهد گرفت. قرآن کریم هدف بعثت انبیاء(ع) را نیز اقامه عدالت معرفی می کند: **وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ** (حدید/۲۵).

از نگاه قرآن کارگزار نظام سیاسی قرآنی، حتی به مخالفانش هم ظلم روا نمی دارد. **وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَى أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى** (مائده/۸)؛ مخالفت شما با یک قومی، موجب نشود که عدالت را فرو بگذارید و فراموش کنید. «اعدلوا»؛ حتی در مورد مخالف هم عدالت به خرج دهید. «هو اقرب للتقوى». از دیدگاه قرآن آراستگی به ملکه عدالت نه تنها برای رهبر جامعه اسلامی بلکه برای بسیاری از سمت های اجتماعی و سیاسی، یک شرط قطعی و اساسی است، زیرا کسی که از ملکه عدالت برخوردار نباشد، چگونه می تواند مقدرات امت را به دست بگیرد و به تعالیم دینی عمل و مصالح امت را مراعات نماید؟ لذا قرآن امت اسلامی را از پیروی و اطاعت اسرافکاران، فسادکنندگان بر زمین، غافلان از یاد خدا، پیروی کنندگان از خواهش های نفسانی، گناه کاران، ناسپاسان و ظالمان نهی می کند. (ر.ک: شعراء/۱۵۱ و ۱۵۲؛ کهف/۲۸؛ انسان/۲۴؛ هود/۱۱۳).

۶. محبت و مهرورزی

از دیگر ویژگی های زمامدار و کارگزار نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه قرآن، مهر و عطوفت نسبت به زیردستان و اطرافیان است. در شریعت مقدس اسلام هر فرد مسلمان دارای احترام است و هیچ کس حق توهین و بی اعتنایی به او را ندارد. همه باید با یکدیگر مهربان و با محبت باشند و هرگز نباید پست ها و ریاست ها این اصل اساسی را خدشه دار کند. لزوم احترام به مؤمنان تا آنجا مطرح است که پیامبر عزیز اسلام به عنوان برترین رهبر و نمونه کامل انسانی موظف می شود بالهای مهر و محبت خویش را بر مؤمنان بگستراند و آنان را در آغوش گرم خود

بپذیرد: و اخفض جناحک للمؤمنین» (حجر/۸۸)؛ بال و پر خود را برای مؤمنان فرود آر.

در آیه دیگر می فرماید: لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رئوف رحیم (توبه/۲۸)؛ رسولی از خود شما به سوی تان آمد که رنجهای شما بر او سخت و برهدایت شما اصرار دارد و با مؤمنان رئوف و مهربان است. و همچنین در سوره آل عمران می فرماید: فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران/۱۵۹)؛ [ای پیامبر!] پس به مهر و رحمتی از سوی خدا با آنان نرم خوی شدی، و اگر درشت خوی و سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می شدند؛ بنابراین از آنان گذشت کن، و برای آنان آمرزش بخواه، و در کارها با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا خدا توکل کنندگان را دوست دارد. آیت الله مکارم شیرازی در ذیل این آیه شریفه می گوید:

« فظ » در لغت به معنی کسی است که سخنانش تند و خشن است، و غلیظ - القلب به کسی میگویند که سنگدل می باشد و عملاً انعطاف و محبتی نشان نمی دهد بنا بر این، این دو کلمه گرچه هر دو بمعنی خشونت است اما یکی غالباً در مورد خشونت در سخن و دیگری در مورد خشونت در عمل به کار می رود و به این ترتیب خداوند اشاره به نرمش کامل پیامبر(ص) و انعطاف او در برابر افراد نادان و گنهکار می کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳، ۱۴۱).

در این آیه اشاره به یکی از ویژگی ها و صفات مهم یک رهبر و کارگزار نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه قرآن شده است و آن، مسئله گذشت و نرمش و مهر و عطوفت نسبت به زیردستان و کسانی است که تخلفی از آنها سرزده و بعداً پشیمان شده اند، بدیهی است شخصی که در مقام رهبری قرار گرفته اگر خشن و تندخو و

غیر قابل انعطاف و فاقد روح گذشت باشد بزودی در برنامه‌های خود مواجه با شکست خواهد شد و مردم از دور او پراکنده می‌شوند و از وظیفه رهبری بازمی‌ماند (ر.ک: همان).

قرآن کریم پیامبر(ص) را به عنوان الگو و اسوه برای مسلمانان معرفی می‌کند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مَنْ يُتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (ممتحنه ۶/۷)»

(آری) برای شما در زندگی آنها اسوه حسنه (و سرمشق نیکویی) بود، برای کسانی که امید به خدا و روز قیامت دارند؛ و هر کس سرپیچی کند به خویشتن ضرر زده است، زیرا خداوند بی‌نیاز و شایسته ستایش است!

سزاوار است که مدیران و کارگزاران نظام اسلامی نیز با تأسی به سیره و رفتار پیامبر عزیز اسلام(ص)، به مسلمانان و مؤمنان محبت داشته باشند و از روی عشق و علاقه به آنها برای شان خدمت کنند.

امام علی(ع) در نامه ی به مالک اشتر، دستور می دهد که کارگزاران و مسئولان نظام سیاسی نه تنها مؤمنان و مسلمانان را دوست داشته باشند بلکه لازم است همه رعیت و شهروندان را دوست داشته باشند، خواه مسلمان باشد خواه غیر مسلمان که در قلمرو حکومت اسلامی به دور از خدعه و نیرنگ به زندگی عادی مشغول است:

واشعر قلبک الرحمة للرحیه و المحبه لهم و اللطف بهم و لا تكونن علیهم سبعا ضاریا تغتتم اکلهم فانهم صنفان: اما اخ لك فی الدین و اما نظیر لك فی الخلق (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛

و مهربانی بر رعیت را بر دل خود پوششی گردان و دوستی ورزیدن با آنان را و مهربانی کردن با همگان و با آنان همچون حیوان درنده‌ی نباش که خوردن آنان را غنیمت می‌شمارد، زیرا آنها دو گروه بیش نیستند: یا برادران دینی تو اند و یا

انسانهایی اند همچون تو در آفرینش.

در حدیث امام علی(ع) محبت ورزیدن به کفار نیز سفارش شده است، زیرا واژه «رعیت» شامل مطلق افراد اعم از مؤمنان و کفار می شود و امام علی(ع) به مالک اشتر به عنوان زمامدار و کارگزار نظام و حکومت اسلامی دستور می دهد که به رعیت محبت داشته باشد. چون رعیت: اما اخ لک فی الدین او نظیر لک فی الخلق؛ رعیت یا برادر دینی و یا در آفرینش مثل تواند.

۷. مشورت و همفکری

یکی دیگر از ویژگی های کارگزار و رهبر نظام سیاسی قرآنی، مشورت با اطرافیان و یاران است. همانطور که در آیه فوق دیدیم، قرآن کریم به پیامبر(ص) به عنوان رهبر حکومت اسلامی، دستور می دهد که: « در کارها با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا خدا توکل کنندگان را دوست دارد» (آل عمران/۱۵۹)

پیغمبر اکرم (ص) با آنکه به منبع وحی و به علم و قدرت مطلق متکی و مرتبط بود و خود نیز عاقل ترین و متفکرترین انسانها بود، و نیازی به مشورت نداشت اما بازهم خداوند متعال وی را به مشورت توصیه می کند، برای اینکه از یک سو مسلمانان را به اهمیت مشورت متوجه سازد تا آن را جزء برنامه های اساسی زندگی خود قرار دهند، و از سوی دیگر، نیروی فکر و اندیشه را در افراد پرورش دهد، در امور عمومی مسلمانان که جنبه اجرای قوانین الهی داشت (نه قانونگذاری) جلسه مشاوره تشکیل می داد، و مخصوصا برای رأی افراد صاحب نظر ارزش خاصی قائل بود، تا آنجا که گاهی از رأی خود برای احترام آنها، صرف نظر مینمود و می توان گفت: یکی از عوامل موفقیت پیامبر(ص) در پیشبرد اهداف اسلامی همین موضوع بود (ر.ک: حسین زاده، ۱۳۸۶، ۴۶). البته مشورت پیامبر(ص) در اموری بوده که حکم معین آن از سوی خداوند بیان نشده و شخص

پیامبر اسلام (ص) نیز از باب ولایت و رهبری نظر خاصی نداشته است، و گر نه با وجود نظر قطعی خدا و یا رسول او، هیچ جای اظهار نظر و اختیار، برای کسی باقی نمی ماند. خداوند می فرماید: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا» (احزاب/۳۶)؛ هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد؛ و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است!

اصولاً مردمی که کارهای مهم خود را با مشورت و صلاح اندیشی یکدیگر انجام می دهند و صاحب نظران آنها به مشورت می نشینند، کمتر گرفتار لغزش می شوند. بعکس افرادی که: گرفتار استبداد رای هستند و خود را بی نیاز از افکار دیگران می دانند - هر چند از نظر فکری فوق العاده باشند - غالباً گرفتار اشتباهات خطرناک و دردناکی می شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳، ۱۴۵) بنابراین مشورت با دیگران و احترام به افکار یاران و اطرافیان، یکی دیگر از ویژگی های کارگزار نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه قرآن است.

۸. سعه صدر و حوصله مندی

یکی دیگر از ویژگی ها و صفاتی که برای زمامدار و کارگزار نظام سیاسی لازم و ضروری است، ویژگی و صفت «سعه صدر» است که قرآن کریم در موارد مختلف به آن اشاره می کند. در اندیشه سیاسی قرآن، اگر کسی از ویژگی «سعه صدر» برخوردار نباشد، هرگز نمی تواند مدیریت و رهبری سیاسی جامعه را به عهده بگیرد. حضرت موسی (ع) وقتی که برای هدایت انسان ها مبعوث می شود و دنیایی از مشکلات و درگیری ها را در مقابل خود می بیند، دست به دعا برداشته و اولین درخواست او از خداوند «شرح صدر» است: قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي (طه/۲۵)، پروردگارا سینه مرا گشاده دار.

حضرت موسی(ع) می‌داند که انجام دادن این مسئولیت بزرگ قبل از هرچیز نیاز به شرح صدر دارد. اهمیت شرح صدر برای مسئولان و کارگزاران نظام سیاسی در حدی است که امیرمؤمنان علی(ع) آن را ابزار ریاست شمرده‌اند: «آله الرئاسة الصدر» (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۶) نیاز به چنین صفت، از آنجا ناشی می‌شود که مسئولان حکومتی بخصوص رهبرجامعه در معرض حوادث سنگین، اخبار ناگوار و برخوردهای گوناگون است که اگر در چنین شرایط و مواردی، از ظرفیت و تحمل بالای برخوردار نباشند، از تدبیر امور و چاره‌جویی مشکلات درمانده شده، دولت و ملت را به تباهی می‌افکند (سروش، ۱۳۷۸، ۲۷۲).

۹. شجاعت و نترسی

یکی از ویژگی‌های مهم رهبران و مسئولان نظام سیاسی که در قرآن به آن اشاره شده است، صفت شجاعت و نترسی در مقابل دشمنان و اجرای احکام و قوانین الهی است. پیامبران الهی به عنوان رهبران سیاسی جامعه، کسانی بودند که در برابر دشمنان الهی از هیچ خوف و خطری نمی‌هراسیدند. در آیات متعدد به شجاعت و دلاوری پیامبران اشاره شده است. به عنوان نمونه خدای سبحان در سوره یونس خطاب به پیامبر(ص) می‌فرماید: «وَ اَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اِنْ كَانَ كَبَرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَ تَذْكِرِي بآيَاتِ اللّٰهِ فَعَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَ شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَ لَا تَنْظِرُونَ» (یونس/۷۱)؛ سرگذشت نوح را بر آنها بخوان! در آن هنگام که به قوم خود گفت: «ای قوم من! اگر تذکرات من نسبت به آیات الهی، بر شما سنگین (و غیر قابل تحمل) است، (هر کار از دستتان ساخته است بکنید). من بر خدا توکل کرده‌ام! فکر خود، و قدرت معبودهایتان را جمع کنید؛ سپس هیچ چیز بر شما پوشیده نماند؛ (تمام جوانب کارتان را بنگرید)؛ سپس به حیات من پایان دهید، و (لحظه‌ای) مهلتم

ندهید. نوح(ع) فرستاده بزرگ پروردگار با شجاعت و قاطعیتی که ویژه پیامبران الهی است، در نهایت شجاعت و شهامت با نفرات کم و محدودی که داشت، در مقابل دشمنان نیرومند و سر سخت ایستادگی می‌کند و قدرت آنها را به سخره می‌گیرد و بی اعتنایی خویش را به نقشه‌ها و افکار و بت های آنها نشان می‌دهد. و یا در باره حضرت ابراهیم(ع) می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ» (انبیاء/۵۱)؛ ما وسیله رشد ابراهیم را از قبل به او دادیم؛ و از (شایستگی) او آگاه بودیم. حضرت ابراهیم(ع) نیز با قوت و شجاعت خاصی مبارزه خود را علیه اصلی‌ترین عامل بدبختی انسان‌ها (بت پرستی) آغاز می‌نماید و با صراحت و شجاعت تمام، اعلام می‌دارد که: «وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ» (انبیاء/۵۷)؛ به خدا سوگند من نقشه‌ای برای نابودی این بت‌ها در غیاب شما می‌کشم. سرانجام ابراهیم خلیل(ع) به گفته خود عمل کرده و در زمان مناسب، همه بت‌ها به جز بت بزرگ را نابود می‌نماید: «فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ» (انبیا/۵۸) و در باره یاران پیامبر(ص) می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح/۲۹)؛ محمد فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار سخت و با یکدیگر بسیار مشفق و مهربانند. آیات فراوانی در قرآن وجود دارد که به شجاعت و نترسی پیامبران اشاره دارند. (ر.ک: احزاب/۳۹؛ صف/۴؛ مائده/۵۴ و...) بنابراین رهبر و کارگزاران نظام سیاسی باید با الگوپذیری از پیامبران، در مقابل دشمنان و اجرای احکام و قوانین الهی در جامعه، شجاع و نترس باشند.

۱۰. قاطعیت در تصمیم‌گیری

قاطعیت و پرهیز از شک و تردید از لوازم و شرایط اصلی موفقیت یک رهبرسیاسی، کارگزاران و مسئولان نظام سیاسی است که پس از بررسی جوانب

مختلف قضیه و مشورت با صاحب نظران، قاطعیت در اجرای تصمیم و اجرای آن ضرورت دارد. دو دلی و عدم قاطعیت رهبر نظام سیاسی و یا یک و زیر و یا فرمانده لشکر باعث می شود که تردید و ابهام و سردرگمی در همه بدنه نظام سرایت کرده و کارها در زمان مناسب به انجام نرسد و در نتیجه آن نظام سیاسی به اهداف مورد نظر نرسد. قرآن کریم در آیه ۱۵۹ آل عمران به پیامبر (ص) دستور می دهد که در انجام امور با یاران و اطرافیان خود مشورت کن اما تصمیم نهایی و قاطع را باید خودت بگیری و بر خدا توکل نمایی:

«وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران/۱۵۹)؛ و در کارها با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا خدا توکل کنندگان را دوست دارد.

۱۱. تواضع و فروتنی

یکی دیگر از ویژگی های کارگزاران نظام سیاسی مطلوب قرآن، تواضع و فروتنی است. واژه « تواضع » در قرآن مجید نیامده است ولی خداوند با تعبیرهای لطیف و جالب دیگری همه بندگان را به عنوان رهبر جامعه اسلامی به این فضیلت فرا می خواند و خطاب به پیامبر اکرم (ص) می فرماید :

«وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (حجر/۸۸)؛ بال و پر خود را برای مومنان فرود بیاور . آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه مبارکه می نویسد:

«خفض» به معنای پائین آوردن است و «جناح» به معنای بال می باشد. بنابراین «واخفض جناح» کنایه از تواضع آمیخته با محبت است، همانگونه که پرندگان هرگاه می خواهند به جوجه های خود اظهار محبت کنند بال و پر خود را می گسترانند و آنها را زیر بال و پر می گیرند تا هم در برابر حوادث احتمالی مصون بمانند و هم از تشنه و

پراکندگی حفظ شوند، پیامبر اسلام (ص) نیز مأمور بود بدین گونه مومنان را زیر بال و پر خود بگیرند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ۲، ۷۲).

در آیه فوق خداوند به رسول اکرم (ص) که مربی و معلم مومنان و رهبر جامعه اسلامی است دستور تواضع و فروتنی می دهد تا همه کسانی که در مقام رهبری و هدایت مردم قرار گرفته اند خود را با این خصلت بایسته بیارایند. حضرت امام خمینی (ره)، نیز تواضع و فروتنی را برای کارگزاران نظام اسلامی ضروری دانسته و در مقابل صفت تکبر و خودخواهی را مایه فساد و تباهی معرفی می کند:

«...خودخواهی همیشه اسباب این است که انسان را به فساد بکشد - تمام فسادهایی که در عالم پیدا می شود از خودخواهی پیدا می شود، از حبّ جاه، از حبّ قدرت، از حبّ مال از امثال اینها ست و همه اش بر می گردد به حب نفس و این «بت» از همه بزرگتر است و شکستنش هم از همه مشکل تر است. تعقیب کنید که اگر نمی توانید به تمام معنی بشکنید - که می توانید ان شاء الله - مشغول باشید به شکستن دست و پای یک همچو بتی» (امام خمینی، ۱۳۶۴، ۱۹، ۱۵۶-۱۵۷-۲۸۶-۶۴).

ایشان در مقام فرق بین تواضع واقعی و تملق می فرماید:

«یک وقت رذیله حبّ دنیا و جذبه طلب شرف و جاه انسان را به تواضع وا می دارد، این خلق تواضع نیست، این تملق و چاپلوسی است و از رذایل نفسانیه است. صاحب این خلق از فقرا تواضع نکند مگر آنکه در آنها طمع داشته باشد یا طعمه سراغ کند. یک وقت،

خلقِ تواضع انسان را دعوت به احترام و فروتنی می کند، غنی باشد یا فقیر، مطمئن نظر باشد یا نباشد یعنی تواضع او بی آرایش است، روح او پاک و پاکیزه است.»؛ این واضح برای فقرا خوب است، برای اغنیا هم خوب است. « (امام خمینی، ۱۳۷۳، ۱۰۰) و (امام خمینی، ۱۳۸۷، ۳۳۶)

۱۲. اعتماد به نفس و خودباوری

در اندیشه سیاسی قرآن کریم، یکی از مهمترین ویژگی‌های کارگزاران به خصوص رئیس دولت اسلامی، اعتماد به نفس می باشد، «اعتماد به نفس» نیرویی است که شخص را در استفاده بهینه از قابلیت ها و توانمندیهای خویش جهت رسیدن به اهدافی که در نظر دارد یاری می کند. انسانی که اعتماد به نفس ندارد نمی تواند آنطور که باید از استعدادهای خویش بهره جوید و در زندگی دچار افسردگی، سرخوردگی و شکست خواهد شد.

قرآن می فرماید: «من از روح خویش در انسان دمیدم» (حجر/۲۹) و به فرشتگان فرمان سجده بر آدم را می دهد (اسراء/۶۱) و او را جانشین خویش در زمین قرار می دهد (بقره/۳۰).

انسان مسلمان با تفکر و تدبیر در این آیات به خوبی درمی یابد که چه جایگاهی نزد خالق و پروردگار و چه مقامی در میان سایر مخلوقات بی شمار الهی دارد و به الطاف خداوندی پی برده و می داند که خداوند چقدر او را دوست دارد پس او نیز قلبش را لبریز از محبت به خداوند می کند و این رابطه صمیمی و ناگسستنی به او نیرویی می بخشد که از هیچ کس، و هیچ قدرتی جز خداوند نهراسد و به این یقین می رسد که یاور و پشتیبانی بس عظیم دارد که در تمامی امور می تواند به او تکیه کرده و از عهده هر کاری اگر چه سخت و بزرگ به نظر برسد برآید و در یک جمله از دیدگاه قرآن، «اعتماد به نفس»، برگرفته شده از «اعتماد به

رب و خالق» می باشد. لذا خداوند شخص مؤمن را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

«وَلَا تَهْنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَغْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (۱۳۹)؛ و سست

نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید!

این برتری نه به خاطر نژاد و رنگ و قوم شما است بلکه به خاطر «ایمان به خدا» و راهی است که به درستی انتخاب کرده و برگزیده اید.

نتیجه گیری

در اندیشه سیاسی قرآن کریم، مسئولان و کارگزاران هر نظام سیاسی، مهم ترین مؤلفه آن نظام می باشند که مطلوب بودن و یا نامطلوب بودن یک نظام سیاسی بستگی به صفات و روحیات رهبری، کارگزاران و مسئولان آن نظام دارد، بطوری که اگر کارگزاران یک نظام سیاسی و حکومت، از ویژگیها و خصوصیات که قرآن برای کارگزاران و مسئولان نظام سیاسی مطرح می کند، برخوردار باشند، قطعاً آن نظام باعث پیشرفت و سعادت دنیا و آخرت جامعه خواهد بود اما اگر کارگزاران یک نظام سیاسی فاقد این معیارها و شاخصه ها باشند، عامل سقوط و تباهی جامعه خواهد شد.

تخصص و آگاهی، تعهد و امانت داری، قدرت و توانایی، تقوی و ایمان داری، عدالت ورزی، محبت و مهرورزی، مشورت و همفکری، سعه صدر و حوصله مندی، شجاعت و نترسی و قاطعیت در تصمیم گیری، تواضع و فروتنی و اعتماد به نفس و خودباوری از مهم ترین ویژگی های کارگزاران و مسئولان نظام سیاسی می باشند که در قرآن کریم به این ویژگی ها اشاره شده است. که اگر کارگزاران یک نظام سیاسی، دارای چنین ویژگی ها و صفات و روحیات باشند، قطعاً می توانند نظام سیاسی مطلوب قرآنی را بوجود بیاورند.

فساد اخلاقی، ظلم و ستمگری، جنگ و ناامنی و چالش های گوناگون سیاسی

و اجتماعی در هر حکومت و جامعه‌ی یقیناً ریشه در فساد و انحراف مسئولان و کارگزاران سیاسی و حکومتی دارند. در اندیشه سیاسی قرآن کریم، تا زمانی که انتخاب کارگزاران براساس شایسته سالاری، تخصص و تعهد و قوانین و ضوابط نباشد و براساس روابط باشد آن جامعه روی سعادت و خوشبختی را نخواهد دید و نظام سیاسی مطلوب قرآنی هم تحقق پیدا نخواهد کرد.

به جرأت می‌توان گفت که بسیاری از مشکلات و چالشهای جوامع اسلامی، به خاطر دوری از قرآن و فرهنگ قرآنی است و تنها راه عزت و اقتدار کشورهای اسلامی، رجوع به قرآن و سنت و عمل به دستورات و راهنمایی های سعادت بخش و نجات بخش قرآن کریم می باشد.

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. امام خمینی، امام خمینی، روح الله، صحیفه نور (۲۲ جلدی، مجموعه رهنمودهای امام خمینی ره)، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴ش.
۴. _____، صحیفه امام (۲۲ جلدی، مجموعه آثار امام خمینی ره)، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۵. _____، چهل حدیث، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۳ش.
۶. _____، شرح حدیث جنود عقل و جهل، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ دوازدهم، ۱۳۸۷ش
۷. بازرگان، مهدی، خدا و آخرت هدف رسالت انبیاء، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷ش.
۸. حسین زاده، محمدعلی، مدیران و اخلاق اسلامی، قم، بوستان کتاب، چ دوم، ۱۳۸۶ش.
۹. جر، خلیل، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طبیبیان، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ پنجم، ۱۳۷۳ش.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چ پنجم، ۱۳۷۵ش.
۱۱. روحانی، حسن، اندیشه های سیاسی اسلام، تهران، انتشارات کمیل، چ دوم، ۱۳۸۹ش.
۱۲. سبحانی، جعفر، مبانی حکومت اسلامی، قم، مؤسسه علمی و فرهنگی سید الشهداء (ع)، ۱۳۷۰ش.
۱۳. سبحانی، جعفر، سیمای فرزندگان، قم، انتشارات موسسه امام صادق (ع)، چ اول، ۱۳۸۷ش.
۱۴. سروش، محمد، دین و دولت در اندیشه اسلامی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ اول، ۱۳۷۸ش.
۱۵. سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المنجد) تهران، انتشارات اسلام، بی تا.

۱۶. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ۲۰ جلد، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی - ایران - قم، چاپ: ۵، ۱۳۷۴ ه.ش.
۱۷. عبدالرزاق، علی، الاسلام و اصول الحکم، بیروت، دارالکتب اللبنانی، ۱۴۳۳ق.
۱۸. غلام جمشیدی، محمد صادق، دین و حکومت، تهران؛ سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۸ش.
۱۹. فاضلی، قادر، حکمت سیاسی یا سیاست حکیمانه در اسلام، انتشارات علامه طباطبایی، ۱۳۷۴ش.
۲۰. قربانی لاهیجی، زین العابدین، تفسیر جامع آیات الاحکام، ج ۵، تهران، نشر سایه، ۱۳۸۰ش.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، بی تا، بی جا.
۲۲. مجتهد شبستری، محمد، نقدی برقرائت رسمی از دین، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۹ش.
۲۳. مهاجرنیا، محسن و همکاران، اندیشه سیاسی متفکران اسلامی، تهران، انتشارات سازمان فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ اول، ۱۳۸۹ش.
۲۴. مصطفوی، سید محمد، در آمدی بر تئوری های حاکمیت و دولت از منظر اسلام، قم، سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور، چ اول، ۱۳۸۶ش.
۲۵. مصباح یزدی، محمد تقی، رابطه علم و دین، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۹۲ش.
۲۶. مصباح یزدی، محمد تقی، قرآن شناسی، ج ۲، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰ش.
۲۷. موسوی، سید محمد، مبانی اندیشه سیاسی در اسلام، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۱ش.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران؛ دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن (تفسیرموضوعی، قرآن مجید و حکومت اسلامی) ج ۱۰، مدرسه امام علی بن ابیطالب(ع)، چ دوم، ۱۳۷۵ش.
۳۰. مقتدایی، عباس، حکومت و جامعه اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، چ اول، ۱۳۹۴ش.

۳۱. مفتاح، محمد هادی، نظریه قدرت برگرفته از قرآن و سنت، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۸ش.

۳۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی ۱۴۰۲ ق.

۳۳. مطهری، مرتضی، عدل الهی، تهران، انتشارات صدرا، چ چهل و چهارم، ۱۳۹۳ش.

۳۴. نبوی، محمد حسن، مدیریت اسلامی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۳ش.

۳۵. ورعی، سید جواد، معیارهای اسلامی بودن حکومت، ناشر: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، چ اول، ۱۳۸۸ش.

منابع اینترنتی

36. <http://www.seraj.ir>.

37. [www. Hawzah.net](http://www.Hawzah.net)

38. www.tebyan.net